



نفوذ نتفلیکس در شرق با سریال های اورجینال

چرا از سریال های اورجینال نتفلیکس در شرق استقبال نشد؟

فاطمه قاسم آبادی

روزنامه‌نگار

شبکه نتفلیکس به‌عنوان یکی از قوی‌ترین شرکت‌های فیلم و سریال‌سازی اینترنتی آمریکا در چندسال گذشته ثابت کرده است که می‌تواند در سطوح مختلف و برای گروه‌های سنی متفاوت، فیلم و سریال بسازد و نظر مخاطبانش را به خود جلب کند. نتفلیکس، سیاست‌های مخصوص به خود را در ساخت فیلم و پخش سریال دارد و به نظر می‌رسد بودجه‌اش پایان‌ناپذیر است. این در حالی است که بسیاری از شبکه‌های کابلی آمریکا، در حال حاضر به خاطر کمبود بودجه، مجبور به کنسل کردن پروژه‌های خود هستند و به ناچار پروژه‌های نیمه‌کاره‌شان را به نتفلیکس واگذار می‌کنند و این شبکه هم تا زمانی که سیاست‌هایش ایجاب کند، این پروژه‌ها را ادامه می‌دهد.

در سال گذشته نتفلیکس در اقدامی جدید، برای تاثیر روی مخاطب عام شرقی و به دست آوردن نظر مثبت‌شان، پروژه‌هایی را استارت زد که با زبان وادری برخی کشورهای شرقی و با بازیگران محبوب این کشورها ساخته شد. در همین راستا نت‌فلیکس با استفاده از نویسندگان این کشورها و صد البته زیر نظر تفکرات و سیاست‌های خودش، پروژه‌هایی را آماده کرد که برای مخاطب عام شرقی، به اصطلاح ملموس‌تر باشد و به زبان ساده‌تر این بار خواستند مردم کشورهای شرقی را توسط بازیگران این کشورها و در قالب شخصیت‌هایی که به زبان خودشان صحبت می‌کنند، تحت تاثیر قرار بدهند.

سریال هایی مثل محافظ، بازی‌های مقدس، آقای آفتاب و... از این دست سریال ها بودند که در سال گذشته تولید و پخش شان از شبکه نت‌فلیکس، سر و صدای زیادی به پا کرد.

ما در این مقاله قصد داریم به بررسی این سریال‌های غربی- شرقی بپردازیم.

محافظ

محافظ یا (The Protector) نام سریالی تخیلی_ابرقهرمانی ساخته_بینور کارولی «است به‌تپیه‌کنندگی نت‌فلیکس محصول سال ۲۰۱۸.

داستان سریال محافظ درمورد جوانی به نام «هاکان» است که در ظاهر پسر یکی از عتیقه‌فروشان استانبول است ولی درواقع نسلش به محافظان که موجوداتی افسانه‌ای هستند، می‌رسد.

محافظان کسانی بودند که از زمان سلطان محمد دوم وظیفه مبارزه با اشرار و ششیاطین را برعهده گرفتند و این کار را با پوشیدن لباسی خاص، خنجر می‌کشند و انگشتی دشمن‌یاب، انجام می‌دادند. هاکان به‌عنوان قهرمان اصلی ماجرا، بعد از مدتی در یک حادثه متوجه می‌شود که از نسل محافظان و درواقع آخرین

محافظ است. او که بعد از کلی تمرین و پوشیدن لباس مخصوص، دارای قدرت‌های ویژه‌ای می‌شود، یاد می‌گیرد که چگونه باید از قدرت‌هایش استفاده کند. هاکان با زینب و استادش که در آغاز راه او با کمک می‌کنند، همراه می‌شود تا هر تهدیدی علیه شهر استانبول را نابود کنند. در این ماجراجویی، هاکان مجبور است با دشمنان جدیدی که پیدا می‌کند، بجنگد و شهر را از وجودشان پاک کند...

سریال محافظ بدون هیچ اغراقی جزء ضعیف‌ترین ساخته‌های اورجینال نت‌فلیکس در شرق است، این سریال که فصل اول آن در ماه گذشته و در ۱۰ قسمت از نت‌فلیکس پخش شد، نتوانست نظر هیچ کدام از منتقدان شرقی و غربی را به خود جلب کند.

محافظ، فیلمنامه آشفته‌ای دارد و به‌ خاطر همین هم تمام شخصیت‌ها در آن نیخته و نابالغ هستند و مخاطب نمی‌تواند با هیچ کدام از آنها همذات‌پنداری کند.

در سریال محافظ، نویسنده تمام سعی اش را کرده تا داستانی شبیه به دیگر آثار ابرقهرمانی نت‌فلیکس، با تم ترکی بسازد و به خورد مخاطب خود بدهد ولی ضعف شدید فیلمنامه باعث شده تا این سریال نه شبیه یک سریال ترکی باشد و نه قطعاً یک سریال

ابر قهرمانی آمریکایی.

در محافظ، خط اصلی داستان به دوران عثمانی برمی گردد و پادشاهی سلطان محمد دوم (مشهور به محمد فاتح)، که غربی‌ها و به‌خصوص اروپایی‌ها به‌خاطر پیروزی‌هایش بر سلاطین مسیحی، خاطرات خوبی از او دارند، به خاطر همین هم طبیعی است که در این سریال، سلطان محمد را طوری به تصویر بکشند که گویی بعد از پیروزی او بر کنستانتین یازدهم، یک مرتبه تمام کشورش به انواع بلاها دچار می‌شود و شیاطین در آن رسوخ می‌کنند. در این بین، طبق داستان سریال، تنها کسی که می‌تواند امپراتوری سلطان محمد را نجات دهد و کشور را حفظ کند، نه خود سلطان فاتح بلکه محافظی است در پیراهنی که انواع دعا نویسان مثلا مسلمان و مسیحی رویش ورد نوشته‌اند.

در سریال محافظ برای شبیه‌تر شدن به یک سریال آمریکایی از بازیگرانی استفاده شده که چهره‌هایی شبیه به مانکن‌های معروف و بازیگران آمریکایی محبوب داشته‌باشند. البته انتخاب بازیگرانی چون «چاغاتای اولوسوی»، «هازار ارگوجلو» و «آیچا توران» که چهره‌های بین المللی جوان ترکیه محسوب می‌شوند، با وجود تبلیغات زیاد، نتوانست ضعف فیلمنامه و عدم پرداخت داستانی را جبران کند و از طرف دیگر عدم وجود صحنه‌های اکشن و زد و خورد های قوی که چاشنی اصلی سریال های ابر قهرمانی است، باعث شده تا محافظ تنها حرف جدید، که هیچ حرف قدیمی هم برای گفتن به مخاطبان خود نداشته باشد. به همین دلایل سریال محافظ نه می‌تواند مخاطبان عام سریال های ترکی در شرق را راضی کند و نه قطعاً پتانسیل رقابت با سریال های ابر قهرمانی آمریکایی دارد.

محافظ با وجود شروع بسیار ضعیفی که داشت به خاطر سیاست‌های جدید نت‌فلیکس، مبنی بر جذب مخاطب شرقی با آثار اورجینال، برای فصل دوم هم تمدید شد و طبق اخبار، فصل دوم آن در اواسط سال ۲۰۱۹ از نت‌فلیکس پخش خواهد شد.

آقای آفتاب

سریال آقای آفتاب یا (MrSunshine) نام سریالی تاریخی، درام و عاشقانه به کارگردانی لی آیونگ بوک، تهیه‌کنندگی نتفلیکس

و محصول سال ۲۰۱۸ است.

داستان این سریال در زمان اعزام ارتش دولت ایالات متحده به چوسان در سال ۱۸۷۱ اتفاق می‌افتد و ماجرای آن حول زندگی پسر نوجوانی است به نام «چوبی بوچین». چوبی بوچین در یک خانواده فقیر که برده هستند، زندگی می‌کند. این پسر وقتی به سنین نوجوانی می‌رسد برای دستیابی به آزادی و فرار از کشورش، به آمریکا مهاجرت می‌کند و چندین سال بعد به‌عنوان افسر نیروی دریایی آمریکا، به کشورش بازمی‌گردد و بین دو راهی انتقام از مردمی که خانواده‌اش را نابود کردند و کمک به آنان می‌ماند...

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات فرهنگی در کره جنوبی، طبقه‌بندی مردم بر اساس رتبه و جایگاه خانوادگی بوده است. البته این مساله در حال حاضر هم در این کشور مهم است و به نوعی ارزش انسان‌ها را طبقه اجتماعی‌شان تعیین می‌کند ولی در گذشته به طرز باورنکردنی بین مردم عام کره، طبقه‌بندی اجتماعی و تفکیک انسان‌ها بر این اساس رواج داشته است.

در بیشتر سریال‌های تاریخی کره‌ای مخاطب شاهد این مساله است که انسان‌ها براساس رتبه و جایگاهی که در دربار دارند، طبقه‌بندی می‌شوند و در این میان برای مثال اگر شخصی (به غیر از خاندان سلطنتی که در آن زمان حکم خداوند را برای مردم داشتند) افسر یا جازه‌بانان دربار بود، از زیردستانش ارزش بالاتری داشته و همان زیردستان هم از مردم کوچه و خیابان بالاتر بوده‌اند. مساله تغییر جایگاه اجتماعی به قدری برای مردم معمولی کره در آن زمان مهم بوده که در سریالی مانند یانگوم، که به‌شدت در ایران محبوب شد، مادر یانگوم که روزگاری بانوی دربار بوده و بعد از دسیسه ابتدا به مرگ محکوم و سپس از قصر بیرون انداخته می‌شود، به تنها دخترش وصیت می‌کند که هر طور شده وارد قصر شود و بانوی دربار شود. این در حالی است که بانوان دربار در آن زمان حق ازدواج و مادر شدن را داشتند و همیشه در حال تعظیم و

تکریم درباریان بوده‌اند. حال سوالی که پیش می‌آید این است که چرا باید یک مادر، ارزش بانوی دربار شدن را بسیار بالاتر از مقام همسری و مادری و زندگی بدون دسیسه بداند؟

پاسخ مشخص است چرا که مردم عام کره در آن زمان هیچ ارزش مادی و معنوی نداشتند ولی کسانی که در قصر زندگی می‌کردند در سریال آقای آفتاب هم دقیقاً روی همین روال و شیوه غیر انسانی و به اصطلاح نقطه ضعف فرهنگی مردم کره، دست گذاشته می‌شود و سریال به مخاطب القا می‌کند که مردم این کشور در گذشته چنان در جایگاه‌های اجتماعی خود اسیر بودند که هیچ شانس دیگری برای زندگی نداشتند. البته این مساله تا حدودی واقعیت دارد ولی روندی که سریال آقای آفتاب طی می‌کند به‌صورتی است که گویی این ضعف در وجود مردم کره نهادینه شده و حتی گذشت زمان هم نمی‌تواند آن را از بین ببرد. سریال، زمانی را به تصویر می‌کشد که ژاپن به‌عنوان ابر قدرت زمان خود، مدام مردم کره را که استثمار کرده، تحقیر می‌کند ولی در این بین آمریکا به‌عنوان یک پشتیبان بزرگ حقوق بشر و قهرمانی تازه‌نفس به میدان می‌آید تا دنیای این مردم بینوا و تحقیر شده را به قیمت ناچیز استثمار دوباره‌شان تغییر دهد.

در سریال آقای آفتاب که براساس ادبیات استرانیژیک ساخته شده، یک دختر نماد کشور کره جنوبی است. این دختر که به‌عنوان قلب تپنده و فهیم جامعه اشرافی و آگاه شناخته می‌شود، «بانو ششین» نام دارد. او در طول ماجرای این سریال، سه خواستگار دارد اولی «چوبی بوچین» است؛ یک مرد کره‌ای است که در آمریکا بزرگ شده و حالا دست‌نشانده و افسر این کشور است و برای انتقام از ظالمانی که زندگی خانواده‌اش را نابود کرده‌اند، به کره برگشته است. دومی «گو دونگ مائه» است؛ او هم کره‌ای ولی دست‌نشانده ژاپن است. در آخر مرد سوم که «کیم هی سونگ» نام دارد و به نوعی نماینده قشر اشراف‌زاده و قدیمی کره است و سعی دارد با معیارهای روز، خودش را با این جامعه در حال تغییر وفق دهد. هی سونگ در ابتدای داستان به‌عنوان نامزد بانو ششین، شناخته می‌شود ولی طبیعی است که بانو ششین به‌عنوان نمادی از مملکت کره، این بقایای دنیای اشرافی را پس می‌زند. می‌ماند دو مرد دیگر که از همان ابتدا مشخص می‌شود بانو ششین هیچ علاقه‌ای به دست‌نشانده ژاپنی ندارد و ترجیح می‌دهد قلبش را

دو دستی تقدیم دست‌نشانده آمریکایی کند. سریال آقای آفتاب که به صورت هفتگی پخش می‌شود و شکل معمول پخش سریال‌های نت‌فلیکس را ندارد- که یک جاکل فصل را منتشر می‌کنند- از شبکه نت‌فلیکس پخش شد و سعی داشت تا روایت نخبی‌نامی ظلم ژاپنی‌ها و استثمارشان را به تصویر بکشد و در این میان هم طبق روند داستان، از آمریکا به‌عنوان استثمارگر خوب یاد شود که کره را از دست استثمارگران بد نجات داد! در صحنه‌ای که یوچین از مردی که قبلاً برده بوده، می‌پرسد حالا که آزاد شدی چرا مثل برده‌ها در ترس و اضطرابی؟ چوبی می‌شود که شاید خلاصه نتیجه‌گیری کل این سریال ۲۴ قسمتی باشد؛ مردم می‌گویند: «من زمانی برده بوده‌ام اما وقتی یک بار برده به دنیا بیایی، تا ابد برده می‌مانی حتی اگر آزاد شده باشی.»

این نگاه و دید سریال آقای آفتاب به مردم کره، نشان از این دارد که این مردم زمانی برده بوده‌اند و حالا هم به ظاهر آزادند ولی باز نیازمند اربابی هستند که نوکری اش را کنند، چون طبق دیالوگ برده سابق در این سریال، مردم عام این کشور که روزگاری برده بوده‌اند تا ابد در این نقش باقی می‌مانند هرچند روزگارشان تغییر کند...

سریال آقای آفتاب با وجود تبلیغات زیاد و جوایز بی‌شماری که دریافت کرد بین مردم عام کره، نتوانست محبوبیتی به دست بیاورد و با توجه به ریتینگ‌ها، این سریال حتی در رده سه سریال پربیننده کره‌ای هم قرار نگرفت اما نت‌فلیکس ناامید نشد و در حال حاضر استارت سریال‌های جدیدی مثل «خاطرات الحما» را در کره جنوبی زده، که تا به حال ۹ قسمت از این سریال از شبکه نت‌فلیکس و TVN کره پخش شده است و هیچ بعید نیست که در آینده نت‌فلیکس تعداد این سریال‌های به اصطلاح اورجینال را در کره جنوبی افزایش دهد.

بازی‌های مقدس

بازی‌های مقدس یا (Sacred Games) نام سریالی در ژانر درام- پلیسی و جنایی به کارگردانی «آئورا کاشیپا» و به‌تپیه‌کنندگی

نت‌فلیکس، محصول سال ۲۰۱۸ است.

داستان سریال «بازی‌های مقدس» که براساس رمان هیجان انگیز «ویکارام چاندا» با همین نام ساخته شده، درمورد زندگی پلیسی به نام «سرتاج سینگ» است که به‌عنوان افسر پلیس شهر بمبئی، مشغول کار است. سرتاج که در زندگی خانوادگی و کاری خود دچار بحران شده است، روزی از طرف «گانش گایتونده»، رئیس فراری یک باند گانگستری، پیامی دریافت می‌کند. گایتونده به‌عنوان سردهسته خلافکاران معروف که حدود ۱۵ سال از چشم بقیه دور بوده است، با داستان زندگی اش وارد زندگی سرتاج می‌شود و به او می‌گوید که در ۲۵ روز آینده اتفاقات وحشتناکی قرار است بیفتد.

از اینجا به بعد، این افسر پلیس، قدم به قدم سرنخ‌های با‌جمانده از گایتونده را جست‌وجومی‌کند و سریال قصه زندگی گایتونده را در کنار ماجرای اصلی، توسط خود این شخص روایت می‌کند. محوریت اصلی سریال بازی‌های مقدس، تخریب مذهب و نشان دادن آن به‌عنوان عامل مقب‌افتادگی هند است. در بازی‌های مقدس، فرقی نمی‌کند که مذهب شخصیت‌ها هندو باشد یا نه، از نظر نویسنده تمام این مذاهب تنها بازی‌هایی هستند که سیاستمداران برای دراختیار گرفتن و سرگرم کردن مردم به راه انداخته‌اند، از این رو در تمام مدتی که گایتونده در حال تعریف داستان زندگی‌اش است، مزب اتفاقات سیاسی و تصمیمات سیاستمداران هند را به همراه افراط‌های مذهبی که اتفاق افتاده مرور می‌کند و سعی می‌کند مهر راستی بر ادعای خود بزند.

ایین بینش ضد مذهب قبل از این در فیلم «پی‌کی» یا (PK) نیز عنوان شد و دقیقاً به همین خاطر این فیلم هم با وجود ضعف‌های زیاد داستانی و پایان بندی بی سر و ته، مورد توجه منتقدان غربی قرار گرفت. پی‌کی خیلی سطحی تمام مذاهب را به قول خودش رصد می‌کند و هیچ حرف جالب توجهی نمی‌یابد و به اصطلاح می‌خواهد خرافات در مذاهب را توبیخ کند ولی درواقع هدف اصلی اش، خود این مذاهب هستند. در سریال «بازی‌های مقدس» هم دقیقاً همین اتفاق می‌افتد، داستان به بهانه افراط‌های مذهبی درواقع سعی دارد عدم نیاز انسان به این مذاهب را نشان دهد و مذهب را در هر

شکل و نامی تحقیر کند...

در بازی‌های مقدس، از نظر نویسنده مذاهب به نوعی برای فریب و بستن دست و پای مردم به وجود آمده‌اند و این دید در طول داستان با در آمیختن راست و دروغ و تاکید بر تیره‌بختی‌ها، باعث می‌شود داستان دلیل اصلی زندگی چرک و پست مردم هند را که مدام به تصویر کشیده می‌شود، اعتقادات‌شان بدانند.

نکته جالب اینجاست که مخاطب در این سریال مدام انسان‌هایی را از مذاهب گوناگون می‌بیند که به‌شدت روی اعمال مذهبی فرقه خود تعصب دارند

ولی ذره‌ای انسانیت و عمل به نیکی که در هر مذهبی روی آن تاکید می‌شود، ندارند؛ این مساله جوری به تصویر کشیده می‌شود که گویی در مذهب این شخصیت‌ها، هرگز چیزی به نام آموزه‌های اخلاقی وجود ندارد که خب این دروغ محض است.

در بازی‌های مقدس فرقی میان هندو و... نیست. ولی قسمت جالب ماجرا اینجاست که در بازهای مقدس، هیچ اثری از هندویی مانند گاندی که زیر بار استثمار انگلستان نرفت و دست بیگانگان را از کشورش قطع کرد و عزت را به مردم هند برگرداند و مردم را همیشه به داشتن رابطه‌ای دوستانه با یکدیگر سفارش می‌کرد، وجود ندارد.

شاید یکی از دلایلی که بازی‌های مقدس برخلاف منتقدان برای مردم عام هند جذاب نبود این مورد باشد که مخاطب عام هندی چیزی به نام بی اعتقادی محض را هرگز قبول نمی‌کند و به هیچ وجه سریالی با این مضمون، نمی‌تواند مورد توجه مردم عام هند که بیش از یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون نفر از جمعیت کل جهان را تشکیل می‌دهند، قرار بگیرد. اینجاست که نتفلیکس نظر مثبت مخاطب هندی عام خود را که علاقه‌ای به تفکرات روشن‌فکرانه ندارد، از دست می‌دهد چرا که اگر یک سریال

تلویزیونی قرار باشد مدام به تحقیر و توهین علایق و اعتقادات مردم بپردازد، فرقی نمی‌کند چقدر حرف‌های و قوی این کار را می‌کند و در یک کلام شکست می‌خورد...

درمورد بازی‌های مقدس هم باید گفت هر چند این سریال با تبلیغات وسیع و بازیگران نامدار هندی و فیلمنامه‌ای قوی ساخته شده است و منتقدان در سایت‌های ارزشگذاری مانند Metacritic امتیاز ۸۰ از ۱۰۰ و در Rotten Tomatoes ۹۰ از ۱۰۰ به این سریال داده‌اند ولی هدف اصلی تهیه‌کنندگان که جلب‌نظر مخاطب عام هندی بود، به هیچ وجه محقق نشد. در هر صورت شرکت‌های بزرگ آمریکایی مانند آمازون و نت‌فلیکس که رقابت تنگاتنگی با یکدیگر سر جذب مخاطب در شرق دارند، یکی پس از دیگری به ساخته‌های اورجینال مخصوصاً در هند روی آورده‌اند.

نت‌فلیکس در این راستا بعد از تمدید سریال بازی‌های مقدس برای فصل دوم خود، قرارداد سریال جدیدی با شاهرخان را در قالب یک سریال اورجینال دیگر به نام «شاعر خون» امضا کرده که درامی جاسوسی است، با اقتباس از کتاب بلال صدیقی و علاوه بر آن دو سریال هندی دیگر به نام‌های «روز انتخاب» و «دوباره» را در دست ساخت دارد و گویی این شبکه قصد دارد هر طور که شده و برای هر سطحی از مخاطب در کشور هند، سریال بسازد و پیام خود را به خورد مخاطب میلیاردری هند بدهد.

جن

جن یا (Jinn) نام اولین سریال در ژانر فانتزی، خیالی نوجوانانه نت‌فلیکس است که قرار است آن را به زبان عربی و با هنرپیشه‌های عرب زبان، در سال ۲۰۱۹ بسازد.

این سریال قرار است به‌عنوان یک درام فانتزی نوجوانانه در ۶ اپیزود و با تهیه‌کنندگانی مثل «الان» و «راجیو دسانی» ساخته شود که در بخش جلوه‌های ویژه سریال‌های پربیننده آمریکایی نظیر «روایلی» و «جاستفاید» فعالیت کرده‌اند.

«میرجین بوچایا» کارگردان لبنانی «فیلم خیلی بزرگ» و «باسل قدور» که برای نگارش فیلمنامه «دیب» یا (گروگ) نامزد اسکار شده نیز در ساخت این سریال مشارکت می‌کنند.

«جن» طبق گفته سازندگان احتمالی‌اش یک درام فراطبیعی است با شخصیت‌های جوان عرب که داستان گروهی از نوجوانان را روایت می‌کند. نوجوانانی که زندگی‌شان با ظاهر شدن موجودی غیرمادی در برابرشان دچار از هم گسیختگی می‌شود. آنها باید مانع این جن شوند که قصد به نابودی کشاندن دنیا را دارد.

قدور به‌عنوان یکی از نویسندگان سریال جن در مصاحبه‌ای درخصوص این سریال می‌گوید: «در خاورمیانه خیلی عادی است که مردم کسی را بشناسند و درمورد جن داستانی

برای تعریف کردن داشته باشند. بنابراین چرا آنها را در قالب یک ماجراجویی سرگرم‌کننده و اسرارآمیز درنیاوریم تا همه از آن لذت ببرند. در حال حاضر سرمایه‌گذاری نت‌فلیکس در خاورمیانه ستودنی است و می‌تواند همه چیز را تغییر دهد.

فرهنگ روایی ما بسیار غنی است!»

علاقه شبکه آمریکایی نت‌فلیکس برای گسترده کردن دنیای خود، در قالب سریال‌های اورجینال در کشورهای شرقی، گویی با اینکه تازه شروع شده ولی به سرعت در حال گسترش است، شاید دلیل اصلی این امر افزایش نفرت مردم دنیا از سیاست‌ها و تفکرات آمریکایی، نسبت به بقیه مردم باشد... البته این تنفر در حال حاضر باعث شده تا بزرگ‌ترین رسانه آمریکا یعنی هالیوود، دیگر جادوی سابقش را برای مردم عام دنیا نداشته باشد و همین امر برنامه‌سازان هالیوودی را به این فکر انداخته که دیگر مانند گذشته نمی‌توانند با ساختارهای قدیمی‌شان روی مخاطب شرقی اثر بگذارند و باید برای از دست دادن این مخاطبان، از طریق عوامل خود آن کشورها اقدام کنند و حرف خود را در قالب زبان آنها و با چهره‌هایی که برای آنها آشنا هستند، بزنند تا شاید دوباره خریدار پیدا کند.